کاسبان مرگ

پرونده‌ای درباره همه حوادث چهارشنبه‌سوری در ۱۰ سال گذشته

طرح: همشهری / بهرام غروی

گزارش **محمد جعفری** روزنامه‌نگار

شمارش معکوس برای پایان سال که شروع می‌شود، چهارشنبه‌سوری نیز از راه می‌رسد. خیلی از خانواده‌ها در روزهای منتهی به شب چهارشنبه آخر سال برای بیشتر کردن شادی و هیجان این شب انواع ترقه‌ها را تهیه می‌کنند؛ غافل از اینکه چیزی که در قبال پول دریافت می‌کنند، خطر است. اما این روزها بازار فروش مواد محترقه و آتش‌زا چه حال و هوایی دارد و فروشندگان ترقه که در چند روز سود سرشاری به جیب‌شان واریز می‌شود چه کسانی هستند؟

به گزارش همشهری، چهارراه مولوی در قلب پایتخت؛ جایی است که این روزها بوی دود و باروت می‌دهد و به مرکز فروش انواع ترقه تبدیل شده. از هفته‌ها قبل خیلی از حجره‌ها و انبارهای قدیمی به جایی برای نگهداری انواع ترقه تبدیل شده است. دستفروشان که در بقیه روزهای سال گل و فال و... می‌فروشند هم در این روزها شغل‌شان را تغییر می‌دهند و ترقه‌فروش می‌شوند. خیلی‌ها هم که اهل ترقه بازی هستند از چند روز جلوتر برای خرید ترقه، فشفشه و انواع وسایل آتش بازی به چهارراه مولوی، بازار تهران و جاهای دیگری که در این ایام مرکز فروش مواد محترقه است می‌روند. بعضی از آنها همانجا ترقه‌هایی که می‌خرند را امتحان هم می‌کنند و همین می‌شود که هراز گاهی صدای انفجار رهگذران را می‌ترساند. تعداد دستفروشانی که ترقه می‌فروشند یکی دوتا نیست؛ اما به‌نظر می‌رسد که از سال‌های قبل کمتر شده است. اگر هم از آنجا عبور کنی و نخواهی ترقه بخری، آنقدر ترقه‌ها را جلوی چشمانت می‌گیرند و تبلیغ می‌کنند که آخر مشتری را به دام می‌اندازند.

از گل‌فروشی تا ترقه‌فروشی

پسر نوجوان با چهره سیاه سوخته علاوه بر کوله پشتی که روی دوشش است، چند مدل فشفشه و ترقه را به‌دست گرفته و به رهگذران نشان می‌دهد. هراز گاهی راننده‌ای توقف می‌کند و پسر دوان دوان خودش را به‌خودرو می‌رساند و همه تلاشش را می‌کند تا ترقه بیشتری به او بفروشد. پسر ترقه‌فروش پول‌هایی که بابت ترقه‌ها گرفته مچاله کرده و در جیبش می‌گذارد و دنبال مشتری بعدی می‌گردد. وقتی سرش خلوت می‌شود سر صحبت را با او باز می‌کنم. اوضاع کار چطور است؟ خدا را شکر خوب است. اما مردم امسال مثل قبل زیاد ترقه نمی‌خرند. ولی برای من فرقی ندارد. هرطور که شده باید همه اینها را تا شب بفروشم. مگر سال‌های قبل هم ترقه می‌فروختی؟ چند سال است که کارم شب چهارشنبه‌سوری شده ترقه‌فروشی. روزهای دیگر سال معمولا سر چهارراه‌ها گل می‌فروشم. اما نزدیک چهارشنبه‌سوری که می‌شود ترقه مشتری بیشتری از گل دارد و من هم دنبال پول بیشتر هستم. می‌پرسم نمی‌ترسی که ترقه‌ها در کوله پشتی ات منفجر شود یا اصلا پلیس کاری به تو و بقیه دوستانت ندارد؟ می‌گوید: راستش اوایل نمی‌ترسیدم و اصلا عین خیالم نبود. اما از سال قبل که کوله پشتی یکی از دوستانم منفجر شد دیگر می‌ترسم. پارسال دوستم وقتی کوله‌اش را کنار پیاده رو جلوی آفتاب گذاشته بود منفجر شد. شانس آورد که آن موقع روی کولش نبود و الا جانش را از دست می‌داد. از آن موقع به بعد راستش را بخواهید می‌ترسم.

پسر ترقه‌فروش: ما سود کمی گیرمان می‌آید و سود اصلی به جیب فروشنده عمده‌اش می‌رود. همه ترقه‌ها قاچاقی از مرزها وارد می‌شود

پسر نوجوان همینطور که چشمش دنبال مشتری است با صدای انفجار ترقه‌ای از جایش تکان می‌خورد و زیر لب چیزی می‌گوید. او ادامه می‌دهد: پلیس هم کاری به ما ندارد. گاهی تذکر می‌دهند که ترافیک درست نکنید. چند مرتبه هم یکی دو تا از بچه‌ها را گرفتند اما معمولا کاری به‌کار ما ندارند. یک‌بار هم یکی از آنها جلو آمد و من را کلی نصیحت کرد و گفت مواظب خودم باشم. من هم خوشم آمد و یک ترقه به او دادم.

پسر ترقه‌فروش درباره درآمد فروش ترقه و اینکه ترقه‌ها را از کجا تهیه می‌کند می‌گوید: من از یکی از مغازه‌ها ترقه می‌خرم. بقیه بچه‌هایی که سر چهارراه‌ها ترقه می‌فروشند هم همینطور هستند. ما سود کمی گیرمان می‌آید و سود اصلی به جیب فروشنده عمده‌اش می‌رود. او ادامه می‌دهد: آنطور که من شنیده‌ام ترقه‌ها به‌صورت قاچاقی از مرزها وارد می‌شود و به تهران می‌رسد. من کاری به این چیزها ندارم و برایم این مهم است که شب عید بتوانم بیشتر کار کنم و مخارج زندگی‌مان را جور کنم. خدا کند امسال هم بتوانم این کار را کنم. اما اگر روز آخر برسد و من نتوانم ترقه‌ها را بفروشم همه‌اش ضرر است. چرا که بعد از چهارشنبه‌سوری دیگر کسی ترقه نمی‌خرد و نمی‌شود این همه ترقه را هم تا سال دیگر نگه داشت. شما خودت ترقه نمی‌خواهی؟

شغل شب عید

مغازه‌داران با احتیاط بیشتری نسبت به دستفروشان ترقه می‌فروشند. آنها ترجیح می‌دهند خودشان را درگیر مشتری خرده نکنند و ترقه‌ها را به شکل عمده به دستفروشان بفروشند. به‌خاطر همین است که به‌دست مشتریان معمولی ترقه نمی‌دهند. با این حال یکی از مغازه‌داران که شب عید شغلش ترقه‌فروشی است به‌خاطر آشنایی که از قبل با او دارم حاضر می‌شود چند جمله‌ای درباره خرید و فروش مواد محترقه صحبت کند. او که مرد جوانی است و از حدود ۷سال قبل در اینجا مغازه دارد می‌گوید: ترقه‌هایی که ما می‌فروشیم خطری ندارد. اگر داشت اصلا نمی‌آوردیم. نارنجک‌هایی که با اکلیل و سرنج درست می‌کنند خطرناک است و مردم را کور می‌کند و گاهی هم باعث قطع عضو می‌شود. چیزهایی که ما داریم در مقابل آنها بیشتر شبیه شوخی است. اینها بیشتر فشفشه و ترقه‌های کم خطر و بی‌صداست. او درباره مبدا این ترقه‌ها می‌گوید: من کارم فروش مواد بهداشتی و شوینده است و فقط شب عید ترقه می‌فروشم. من اینها را از بانه می‌خرم. سود ترقه‌ها بیشتر به جیب همان‌ها می‌رود. هر سال نزدیک چهارشنبه‌سوری که می‌شود سفارش می‌دهم و برایم می‌فرستند. من هم کارتن‌های ترقه را در انباری‌ای که داریم می‌گذارم و آنها را به هر کسی هم نمی‌فروشم و فقط به مشتریان خاص و بچه‌های دستفروش می‌دهم. انشاالله که امسال هم چهارشنبه‌سوری به خیر بگذرد.

نارنجک‌هایی که با اکلیل سرنج درست می‌کنند خطرناک است و مردم را کور می‌کند و گاهی باعث قطع عضو می‌شود

ترقه آنلاین

اگر فکر کرده‌اید همه فروشندگان مواد محترقه همان‌هایی هستند که کنار خیابان و سر چهارراه‌ها می‌بینید اشتباه کرده‌اید. این روزها که خیلی از کارهای روزمره به شکل آنلاین و اینترنتی درآمده است، فروشندگان ترقه هم محصولات‌شان را به شکل آنلاین می‌فروشند. کافی است با جست‌وجویی ساده در اینترنت با فوج عظیمی از فروشگاه‌های اینترنتی که در روزهای آخر سال انواع مواد محترقه را می‌فروشند روبه‌رو شوید. اما چطور باید از این فروشگاه‌ها ترقه خرید؟ هرچند ظاهر این فروشگاه‌های اینترنتی مثل سایر فروشگاه‌هاست اما می‌شود آنها را به چند دسته تقسیم کرد. مثلا یکی از این سایت‌ها بعد از انتخاب انواع ترقه و اضافه کردن به سبد خرید مشتری را به درگاه پرداختی منتقل می‌کند که کمی مشکوک به‌نظر می‌رسد و نشانه‌های درگاه‌های امن مثل پروتکل SPTTH یا نشانه قفل روی آدرس بار را ندارد و همین نشانه‌ها زنگ خطر است درباره اینکه ممکن است پشت پرده این سایت فروش ترقه کلاهبرداران اینترنتی باشند که اصلا ترقه‌ای در کار نیست و هدف آنها خالی کردن حساب بانکی خریداران ترقه است. در سایت دیگری انواع ترقه با قیمت‌هایی مناسب‌تر نسبت به سایرین قرار داده شده است. اما در آنجا خبری از درگاه پرداخت نیست و بعد از انتخاب ترقه مورد نظر باید آن را به شکل تلفنی سفارش داد. بعد از تماس، خانم جوانی به‌عنوان اپراتور جواب می‌دهد و بعد از ثبت سفارش، شماره حسابی را اعلام می‌کند و می‌گوید قبل از ارسال اجناس باید هزینه آنها واریز شود. این موضوع نیز مشکوک می‌رسد. چرا باید به‌حساب سایتی بی‌نام و نشان بدون دریافت جنس پول واریز کرد؟ همین که گفته می‌شود هزینه هنگام دریافت جنس پرداخت می‌شود اپراتور تماس را قطع می‌کند و دیگر پاسخگو نیست. با جست‌وجوی بیشتر در سایت‌های فروش می‌شود فروشگاه‌های معتبرتری پیدا کرد که بدون هیچ دغدغه‌ای به شما ترقه می‌فروشند اما هیچ تضمینی نیست زمانی که قرار است از این ترقه‌ها استفاده کنید آنها به‌درستی کار کنند.

گزارش ۲ **سیمین برادران**؛ خبرنگار

بفرمایید اکلیل سرنج کیلویی ۴۵۰هزار تومان

گزارش همشهری از فروش مواد محترقه خطرناک در محدوده بازار بزرگ تهران

دوطرف پیاده راه را قدم به قدم احاطه کرده‌اند. جعبه‌های چوبی پر از وسایل چهارشنبه سوری! مشتریان بسیاری دارند. پیر و جوان، کوچک و بزرگ و زن و مرد هم ندارد. همه قشر مشتری دور یک جعبه چوبی جمع شده‌اند و چانه‌زنی می‌کنند. بازارشان این روزها داغ داغ است و با دستفروشی به استقبال چهارشنبه آخر سال می‌روند. اینجا بازار بزرگ تهران است. مقابل هر مغازه‌ای، دستفروشی مشغول فروش مواد محترقه مخصوص است و فریاد می‌زنند؛ تی ان تی ۳۰تومان، دینامیت، کپسولی، پیازی، موشک سوتی، پروانه و دراگون! بدو بخر. هر چه بخواهی در بساط دارند. می‌گویند خطر ندارد و نوع صدادارش را می‌فروشند. کبریت که بزنی کمی آتش می‌گیرد و برخی نور دارد و برخی صدا! هیچ‌یک خطرناک نیستند. کمی صحبت می‌کنی و برایت اینگونه توضیح می‌دهند: «اینجا همه نوع مشتری داریم. بعضی‌ها چند دانه خرید می‌کنند و عده‌ای هم تا ۳۰میلیون تومان از ما خرید داشته‌اند. اینها را از مولوی می‌خریم که همه از چین می‌آید و برچسب هم دارد. ما هم انبار می‌کنیم و همه این وسایل را دپو کرده‌ایم ولی هیچ‌کدام خطر ندارد. آنهایی که صدای بلندتری دارند بیشتر فروش می‌روند.» یکی از مشتریان می‌گوید که این وسایل را برای دورهمی خانوادگی می‌خواهد و تقریبا با انواع مواد محترقه آشنایی داشت. کمی جلوتر می‌روی و درگوشی می‌خواهی مواد خطرناک در اختیارت قرار بدهند: «خواهر من، اگر مواد خطرناک می‌خواهی فقط اکلیل سرنج ببر! با هر کیلو می‌توانی ۴نارنجک کوچک و یا ۲نارنجک بزرگ درست کنی. هر کیلویی ۳۵۰هزار تومان!!» همکار کنار این دستفروش شروع به داد و فریاد کرد: «من ۳۰۰هزار تومان می‌فروشم. از من بخر. همین بغل گذاشتم. بازاری‌ها کیلویی ۳۰۰تومان می‌فروشند ولی اصلی‌ها را باید ۴۵۰تومان بخری. اگر روش‌ها را رعایت کنی خطر ندارد. بعضی‌ها روزی ۳۰ تا ۴۰کیلو اکلیل سرنج می‌فروشند و البته آنهایی که سر بازار هستند و کارشان این است» تصور اینکه کف بازار بزرگ تهران اکلیل سرنج بخرید کمی عجیب به‌نظر می‌آید کمی جلوتر می‌روی. همه دستفروشان تقریبا اکلیل سرنج را بین ۳۰۰ تا ۴۵۰هزار تومان می‌فروشند و ادعا می‌کنند که از مولوی خریداری کرده‌اند و اصل و قلابی هم دارد.

به سراغ یکی از مغازه‌داران بازار می‌رویم. مغازه‌ای در دل بازار که وسایل تولد به فروش می‌رساند: «ما یک هفته پیش از چهارشنبه سوری، اجازه فروش هیچ کالایی که آتش‌زا باشد را نداریم. فواره‌ها و آبشارهایی که برای عروسی و تولد کاربرد دارد را هم نمی‌فروشیم. نمی‌دانیم این دستفروشان که هر ساله این روزها یکهو می‌آیند چه کسانی هستند اما بیشتر از شهرستان‌ها می‌آیند و کاسبی می‌کنند و می‌روند. عمدتا قشر ضعیفی هستند و ما تا پیش از این آنها را ندیده بودیم. سود خیلی زیادی ندارد.

۹۰درصد وسایل آتش‌ساز که دستفروشان می‌فروشند اصولا نمی‌ترکد و جنس قلابی قالب می‌کنند.» او از نظارت‌ها در راسته بازار می‌گوید« مأموران تنها یک‌بار می‌آیند و دور می‌زنند و دستفروشان سریع فرار می‌کنند. مغازه داران از حضور این افراد ناراضی هستند و می‌گویند این راسته شلوغ شده است.» او تأکید دارد که مغازه‌داران راسته بازار به کلاس خودشان نمی‌بینند که وسایل آتش بازی چهارشنبه آخر سال را بفروشند. سالانه بازی با اکلیل سرنج و درست کردن نارنجک دستی معلولیت‌های بسیاری بر جای می‌گذارد. گاهی خانه‌ای را خراب می‌کند و گاهی خانواده‌ای. سالیان گذشته بلای جان یک پاکبان شده بود و جانش را از دست داد با این حال کف بازار تهران اکلیل سرنج با نازل‌ترین قیمت به فروش می‌رسد!

مرگبارترین حوادث چهارشنبه‌سوری در کشور

مراسم چهارشنبه‌سوری هرساله با حوادث ناگواری همراه است. در این گزارش به مرور مرگبارترین حوادث چهارشنبه‌سوری در سال‌های اخیر پرداخته‌ایم

تازه‌ترین حادثه مرگبار در تبریز

تازه‌ترین اتفاق هولناک در آستانه چهارشنبه سوری ۱۴۰۱، بامداد یکشنبه ۲۱اسفند در تبریز رخ داد. انفجار مواد محترقه پرخطر در یک ساختمان مسکونی ۲ طبقه واقع در خیابان منظریه تبریز اتفاق افتاد. در اثر این انفجار علاوه بر تخریب کلی این ساختمان، ۵ خودرو و ۴ واحد مسکونی دیگر به‌طور کامل آسیب دیدند و بیشتر واحدهای مسکونی اطراف دچار خسارت شدند. متأسفانه این انفجار مهیب ۷کشته و تعدادی مصدوم برجا گذاشت.

انفجار در پایتخت

حادثه‌ای مرگبار چند روز قبل در پایتخت رقم خورد و جان ۵نفر را گرفت. حادثه‌ای که حوالی پل چوبی بر اثر انفجار مواد محترقه رخ داد و علاوه بر کشته شدن ۵نفر، ۵نفر دیگر را نیز راهی بیمارستان کرد. این حادثه صبح چهاردهم اسفند در ساختمانی مسکونی که از مدتی قبل به کارگاه تبدیل شده و در آنجا مواد آتش‌زا و محترقه تولید و نگهداری می‌شد رخ داد و جان اعضای یک خانواده را که در آنجا کار می‌کردند گرفت.

فاجعه اسلامشهر

یکی از مرگبارترین حوادث چهارشنبه آخر سال اسفند ۸۹در خیابان طالقانی اسلامشهر اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که پسر نوجوان خانواده‌ای سرگرم ساخت مواد محترقه بود که ناگهان انفجاری رخ داد و باعث شد تا وی هر دو دست خود را از دست بدهد. این حادثه تلفات جانی در پی داشت و به مرگ مادر و پسر ۹ساله خانواده نیز منجر شد. یکی از بستگان این خانواده که زنی جوان و مهمان آنها بود در این حادثه دو چشم و دستانش را از دست داد.

ترقه مرگ

در اسفند سال ۹۴حادثه دلخراش دیگری در شهرک قاسم آباد اسلامشهر اتفاق افتاد. ۶جوان در حال ساخت ترقه دست‌ساز بودند که ناگهان انفجار رخ داد و جان ۳نفر از آنها را گرفت. ۳نفر دیگر در این حادثه به‌شدت مصدوم و دچار قطع عضو شدند. این حادثه در یک ساختمان ۵طبقه اتفاق افتاد و موجب تخریب و شکستن شیشه‌های خانه شد. مصدومان حادثه دچار قطع عضو و سوختگی شدید شدند.

اردبیل؛ ۷کشته

یکی دیگر از حوادث مرگبار چهارشنبه سوری در اردبیل رقم خورد و جان ۷نفر را گرفت. این حادثه اسفند ۹۵در زیرزمین یک ساختمان مسکونی بر اثر انفجار مواد محترقه رخ داد. اعضای خانواده‌ای در زیرزمین در حال ساخت مواد محترقه بودند که ناگهان انفجار رخ داد و جان ۷نفر را گرفت و ۵نفر را راهی بیمارستان کرد.

۳کشته؛ انفجار مواد محترقه در کوهدشت

یکی از هولناک‌ترین حادثه مربوط به چهارشنبه سوری، در سال ۱۴۰۰ در شهرستان کوهدشت اتفاق افتاد و جان ۳عضو یک خانواده (پدر، مادر و فرزند خانواده) را گرفت. انفجار مواد محترقه در یک منزل مسکونی واقع در روستای بساط‌بیگی بخش کونانی کوهدشت موجب تخریب بخشی از خانه شد.

بمب مرگ در خانه مخروبه

چهارشنبه سوری سال ۸۳در خیابان ۱۷شهریور اتفاق مرگباری رخ داد که به مرگ ۳جوان منجر شد. انفجار هولناک در خانه‌ای مخروبه که در آن ۲کیلوگرم اکلیل سرنج و ۱۵ کیلوگرم مواد محترقه نگهداری می‌شد صورت گرفت که بر اثر انفجار این مواد آتش‌سوزی رخ داد و ۳جوان جانشان را از دست دادند.

مرگ ۲ نوجوان در فلاورجان

۲ نوجوان ۱۶ساله در اسفند سال ۹۴در شهرستان فلاورجان اصفهان بر اثر انفجار مواد محترقه جانشان را از دست دادند. این دو نوجوان که سوار بر یک دستگاه موتورسیکلت که موتورشان واژگون شد و ترقه‌هایی که همراه آنها بود، منفجر شد و باعث مرگ هردو پسر ۱۶ساله شد.

خبر

راز انبارهای خطرناک پایتخت

هشدار رئیس پلیس به اوباش چهارشنبه‌سوری

در بین همه مواد محترقه‌ای که این روزها صدای انفجار آنها در گوشه و کنار شهر، وحشت به دل هر رهگذری می‌افکند، شاید خطرناک‌ترین آنها «نارنجک دستی» باشد. همان ترقه‌های دست‌سازی که با استفاده از اکلیل‌سرنج ساخته می‌شود و تا حالا حوادث مرگبار زیادی را در سراسر کشور رقم زده است.

به گزارش همشهری، روی آوردن بسیاری از جوانان و نوجوانان به استفاده از این مواد خطرناک برای ساخت ترقه باعث شده که سودجویان و کاسبان هیجان نیز بیکار ننشینند و با دپوی این مواد از چند روز قبل در انبارهای بزرگ و فروش آنها در بازار، جیب‌های خود را پرپول و هزاران خانواده را با خطری بزرگ روبه‌رو کنند.

روز گذشته سردار عباسعلی محمدیان، رئیس پلیس تهران از آمار هولناک کشف این نوع مواد در پایتخت خبر داد و گفت: اقدامات پلیس در تهران در راستای مقابله با افرادی که مواد محترقه را قاچاق و یا اقدام به تهیه و توزیع آن می‌کنند است تا بتوانیم چهارشنبه پایان سال کم‌خطری را تجربه کنیم.

وی با اشاره به کشف حدود ۸۰تن از مواد اولیه ساخت مواد محترقه پرخطر (اکلیل سرنج) در پایتخت ادامه داد: این مقدار مواد خطرناک از ۱۷انبار کشف شد که با کشف آنها، انبارها نیز پلمب شدند. وی همچنین از کشف ۹تن از این مواد از افرادی خبر داد که برای توزیع آن راهی پایتخت شده بودند خبر داد و گفت: در روزهای گذشته در مجموع ۱۲۴نفر در رابطه با قاچاق مواد محترقه پرخطر به پایتخت دستگیر شده‌اند. سردار محمدیان، ارزش مواد محترقه کشف شده را بالغ بر ۱۵میلیارد تومان عنوان کرد و گفت: در روزهای گذشته همچنین بیش از ۴میلیون انواع ترقه در پایتخت کشف شد که ۷۰۰هزار مورد از آنها ترقه‌های خطرناک بودند.

فرمانده انتظامی تهران با بیان اینکه برگزاری مراسمات خانوادگی ممنوع نیست، گفت: اگر در چهارشنبه پایان سال وسیله نقلیه فردی توقیف شود تا پایان فروردین‌ماه و اگر کسی دستگیر شود تا پایان ۱۳فروردین مهمان پلیس هستند.

آمار حوادث چهارشنبه سوری

در ۱۰ سال گذشته

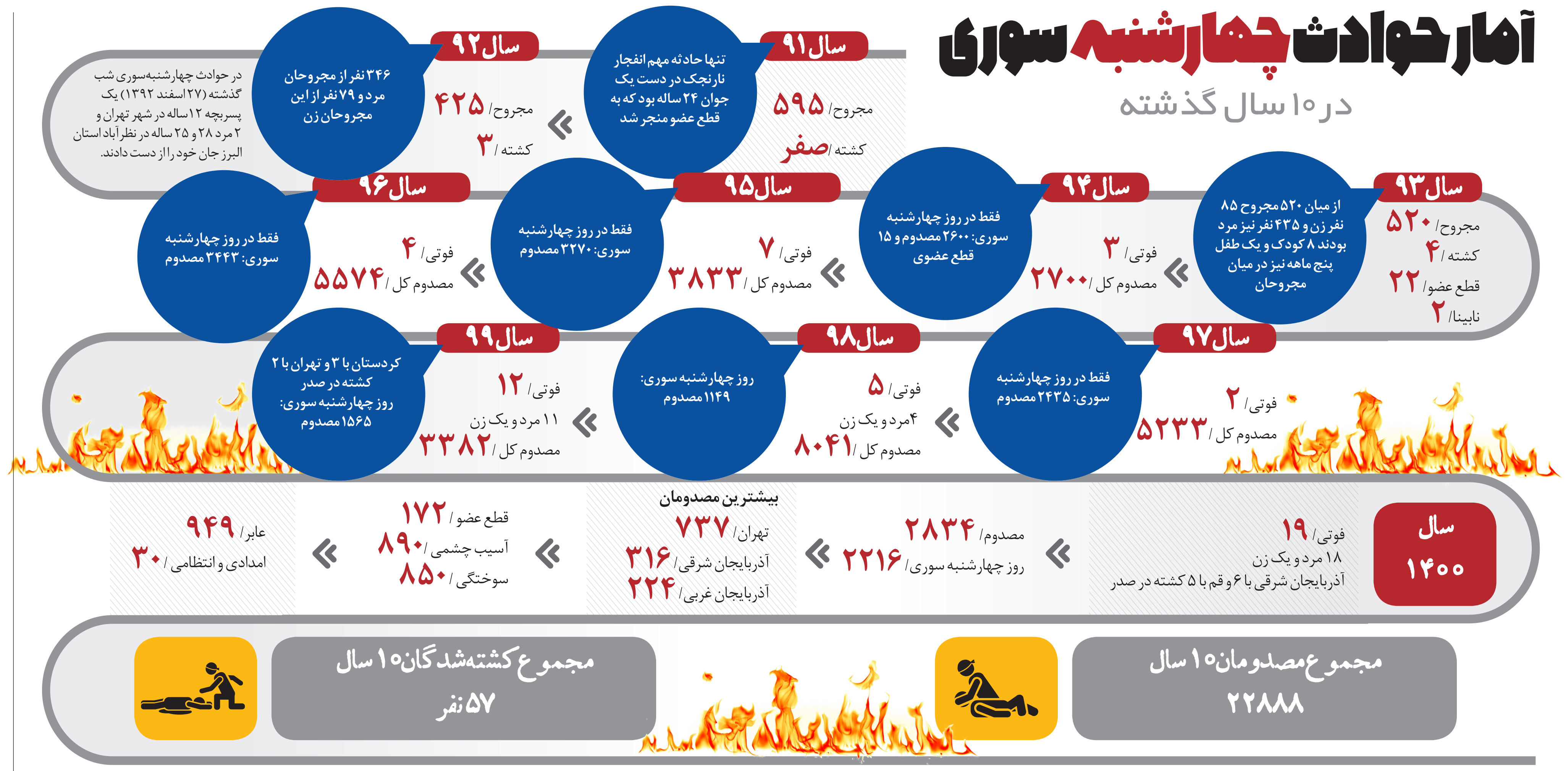

وقتی نوروز رنگ ماتم گرفت

در یکی از دردناک‌ترین حوادث چهارشنبه‌سوری، مأمور پلیس به شهادت رسید

گزارش **الهه فراهانی** روزنامه‌نگار

هادی جوان‌دلاور، پلیس ۳۰ساله‌ای بود که در آخرین ماموریت خود در چهارشنبه آخر سال هدف پرتاب نارنجک دست‌ساز از سوی جوانی قرار گرفت و به شهادت رسید. این حادثه شب چهارشنبه‌سوری سال ۹۲ اتفاق افتاد اما هنوز هم داغ آن برای خانواده‌اش تازه است. حالا و در آستانه آخرین چهارشنبه امسال، برادر شهید در گفت‌وگو با همشهری از خواسته‌اش از جوانان و نوجوانان می‌گوید و رنجی که او و خانواده‌اش در همه این سال‌ها کشیدند.

به گزارش همشهری، چهارشنبه آخر سال ۹۲ بود که در پی تماس تلفنی شهروندان با ۱۱۰، مأموران پلیس در جریان مزاحمت‌های چند شرور در پارکی در محدوده خیابان نواب تهران قرار گرفتند. شهید هادی جوان‌دلاور به همراه دیگر همکارانش با موتور راهی محل حادثه شدند اما در مسیر، پسر جوانی به‌سوی آنها نارنجک دست‌ساز پرتاب کرد که هادی از ناحیه سر به‌شدت مصدوم شد و پس از ۵۷روز کما، در سن ۳۰سالگی و درحالی که به تازگی نامزد کرده بود، به شهادت رسید.

از سوی دیگر عامل حادثه دستگیر شد و در بازجویی‌ها به منطقه گفت: آن شب با دوستانم برای چهارشنبه‌سوری به منطقه نواب رفته بودیم. هنگام ترقه‌بازی، با دیدن گشت پلیس، ترقه دست‌ساز به سمت‌شان پرت کردم اما ناخواسته جان یکی از آنها را گرفتم.

شهادت مأمور پلیس، آغاز یکی از دردناک‌ترین پرونده‌های حوادث چهارشنبه‌سوری شد. پرونده‌ای که هر سال با نزدیک شدن به شب چهارشنبه سوری، گویی از ابتدا برای خانواده شهید جوان‌دلاور باز می‌شود.

جعفر جوان دلاور برادر شهید به همشهری می‌گوید: ما هرساله چهارشنبه آخر سال را جشن می‌گیریم، چون به نوعی نویددهنده روزهای خوش و شروع بهار است. این سنت از قدیم‌الایام وجود داشته اما متأسفانه چند سالی می‌شود که این مراسم از شکل و قاعده خودش خارج و به نوعی تبدیل به میدان جنگ شده است. به‌طوری که همه مردم دغدغه این را دارند که از آسیب این شب در امان باشند و نگرانند که مبادا حادثه تلخی برایشان اتفاق بیفتد. درحالی که این سنت پابرجا باید نوید خاطره خوش برای مردم باشد و به نوعی شادی را برای مردم به ارمغان بیاورد نه ترس، دغدغه و دلهره را.

اتفاق دردناکی که در آخرین سه‌شنبه سال ۹۲ برای شهید دلاور رخ داد و داغ سنگین بر دل خانواده‌شان نشاند موجب شد تا غم بزرگ این خانواده شهید هربار با نزدیک شدن به چهارشنبه سوری مانند روزهای نخست تازه شود.

برادر شهید می‌گوید: پدر و مادرم با نزدیک شدن به چهارشنبه‌سوری و شنیدن صدای مواد محترقه به‌شدت می‌ترسیدند و همین موجب شد تا به یکی از روستاهای استان آذربایجان شرقی کوچ کنند.

او درباره برادرش می‌گوید: هادی بچه ته‌تغاری خانواده بود و همه ما او را دوست داشتیم. او به حدی به حق‌الناس اهمیت می‌داد که حتی موتورش را خاموش تا سر کوچه می‌برد و در آنجا روشن می‌کرد، مبادا سر و صدایش مردم را اذیت کند. من توصیه‌ام به مردم این است که در چهارشنبه سوری به جای استفاده از ترقه‌های دست‌ساز و پرخطر، برای شادی به مراکز فرهنگی که تحت نظارت شهرداری و نیروی انتظامی است بروند.

به عقیده من باید بحث شادی و جشن در مراسم آخرین چهارشنبه سال برای جوانان و نوجوانان ما فرهنگسازی شود؛ حتی برای خانواده‌ها. تا جوان‌ترها از روی بی‌اطلاعی وناآگاهی و صرفا برای یک شادی گذرا و تفریح باعث یک حادثه دردناک نشوند. نباید اجازه دهیم هیجان زودگذر، خانواده‌ای را عزادار کند و یا باعث نقص عضو شود که متأسفانه تبعات حادثه دردناک تا همیشه پابرجاست. مانند حادثه تلخی که برای برادر ما اتفاق افتاد و او را از ما گرفت. این اتفاق دردناک نه‌تنها سرنوشت خانواده ما را تغییر داد، بلکه تبعات گسترده‌ای برای خانواده خود ضارب هم در پی داشت. به همین دلیل از همه نوجوانان و جوانان می‌خواهم از این اتفاقات عبرت بگیرند این سنت کهن و دیرین‌مان را تحت تأثیر یک هیجان کاذب و شادی نامتعارف، به غم تبدیل نکنند.

شهید دوم
هادی جوان دلاور

او ادامه می‌دهد: متأسفانه این روزها از گوشه و کنار صدای ناهنجار و ترسناک به گوش می‌رسد. باور کنید این صداها هیچ‌کس را خوشحال نمی‌کند، بلکه باعث نگرانی بسیاری از خانواده‌ها می‌شود. او درباره پرونده برادرش هم می‌گوید: خبر کسی که باعث این حادثه شده بود، سن و سالی نداشت. یک لحظه اشتباه کرده بود و از روی نادانی اقدام به پرتاب ترقه به‌سوی برادرم کرده بود. همین کار او نه‌تنها ما را عزادار کرد، بلکه باعث شد که خانواده خودش هم به دردسر بزرگی بیفتند. روزهایی را که برای گرفتن رضایت به خانه ما می‌آمدند، هرگز فراموش نمی‌کنم. گریه‌هایی که دل هر آدمی را می‌سوزاند و همه اینها باعث شد که پس از ۶سال از حادثه، تصمیم بگیریم رضایت بدهیم.

یازدهم آذر ۹۸درست در روز تولد شهید جوان‌دلاور، پدر و مادرش تصمیم بزرگی گرفتند؛ بخشش جوان محکوم به قصاص بدون هیچ قید و شرطی.

برادر شهید می‌گوید: ما با خدا معامله کردیم و تنها خواسته‌ای که از ضارب داشتیم، این بود که هرسال در شب چهارشنبه آخر سال به همراه مشاوران پلیس و برای پیشگیری از هرگونه حادثه دلخراشی، کار فرهنگی انجام دهد. او ادامه می‌دهد: آزمایش اول الهی، شهید شدن برادرم بود و آزمایش دوم بخشیدن عامل به شهادت رساندن او. نگاه پدرم این بود که پسرشان از روزی که استخدام نیروی انتظامی شد، سرباز امام زمان شده بود. شهادت برادرم از جنبه معنوی و مذهبی مورد پذیرش پدر و مادرم قرار گرفت و آنها بر این باور بودند که پسرشان را به محضر امام زمان هدیه داده‌اند. از طرفی قاتل او در یک قدمی مجازات بود و ما باید تاریخی را برای اجرای حکم اعلام می‌کردیم. البته چندین بار تعمدی مراسم اجرا را به تعویق انداختیم اما به‌هرحال باید پرونده از بلاتکلیفی خارج می‌شد تا اینکه برادرم به خوابم آمد و گفت باید با مادرم بروی خانه‌ای که خراب است را آباد کنیم. پس از آنکه خوابم را برای مادرم تعریف کردم، او و پدرم تصمیم بزرگی گرفتند و الحمدلله از دومین آزمایش الهی هم سربلند بیرون آمدند. پدرو مادر این شهید در مراسم سالگرد پسرشان مسجدی در شهرستان سراب بنا کردند تا نام این شهید از یادها نرود.

برادرش می‌گوید: هرسال و با فرا رسیدن چهارشنبه سوری، مأموران پلیس همه عزم خود را جزم می‌کنند تا آسایش و امنیت در جامعه را برای مردم فراهم کنند. به عقیده من آنها جانشان را از کف دستشان می‌گیرند و به میدان جنگ می‌روند تا مردم دغدغه نداشته باشند و من امیدوارم امسال شاهد کاهش حوادث دردناکی در کل کشور عزیزمان ایران باشیم و خانواده‌ای همانند ما داغ سنگین بر دلشان ننشیند.

مکث

پشیمانی قربانیان حوادث چهارشنبه سوری

وقتی پای صحبت‌های قربانیان حوادث چهارشنبه آخر سال می‌نشینید پشیمانی و حسرت را احساس می‌کنید. آنهایی که سرنوشت‌شان در یک شب به‌خاطر اشتباه و هیجان‌طلبی به افسوس و ناراحتی گره خورد. یکی از آنها پسری ۲۴ساله است که در شب چهارشنبه سوری سال ۹۳بینایی یکی از چشم‌هایش را از دست داد. وی درباره آنچه برسرش آمده می‌گوید: اگر می‌دانستم چنین بلایی برسرم می‌آید هرگز آن شب پایم را از خانه بیرون نمی‌گذاشتم و سمت هیچ‌گونه مواد محترقه‌ای نمی‌رفتم. وی ادامه می‌دهد: شب چهارشنبه سوری بود که در محله امامزاده حسن(ع) در حال ساخت نارنجک دستی بودم که ناگهان منفجر شد. دود زیادی همه جا را گرفت و احساس می‌کردم داخل جمجمه‌ام پر از درد و خون شده است. آن شب به بیمارستان فارابی منتقل شدم، صورتم پر از خون بود و با وجود انجام جراحی روی یکی از چشمانم، بینایی‌ام را از دست دادم. در جریان این انفجار فرد دیگری مصدوم شد و آنها از من شکایت کردند. علاوه بر آسیبی که به من وارد شد و هزینه‌های جراحی چشم خودم، هزینه جراحی و دیه فرد مصدوم را باید پرداخت می‌کردم. هرچه داشتم فروختم تا این مبالغ را پرداخت کنم و یک اشتباه مسیر زندگیم را تغییر داد.

جوان دیگری که ۲۳سال سن دارد و او نیز در مراسم چهارشنبه سوری دچار نقص عضو شده می‌گوید: لحظه‌های پایان سال فرا رسیده بود. به رسم هر سال پا به پای دوستانم در تدارک مراسم هیجان انگیز چهارشنبه سوری بودیم اما راه غلطی را در پیش گرفتیم. در حال ساخت مواد محترقه بودیم که ناگهان انفجار مهیبی رخ داد. در جریان این حادثه صورتم دچار حادثه شد و دو انگشتم را از دست دادم. ضمن اینکه تا آخر تعطیلات عید در بیمارستان بستری بودم و زیبایی چهره‌ام را نیز به‌دلیل سوختگی شدید از دست دادم. یکی از دوستانم نیز بینایی یکی از چشمانش را از دست داد و پزشکان می‌گویند امیدی به بازگشت بینایی او وجود ندارد با وجود اینکه چندین عمل جراحی روی چشمان او انجام شده است. توصیه‌ام به جوانان این است که اگر قرار است چهارشنبه سوری را جشن بگیرند از کارهای خطرناک و استفاده از مواد پر خطر خودداری کنند تا یک لحظه غفلت، یک عمر پشیمانی برایشان به بار نیاید.

هشدار **سیدجلال ملکی**؛ سخنگوی آتش‌نشانی تهران

چهارشنبه سوری بی خطر

شب آخرین چهارشنبه سال که در بین مردم به چهارشنبه سوری معروف است، یکی از مراسم قدیمی ما ایرانی‌هاست. هرگونه بی‌توجهی به نکات ایمنی و سهل انگاری در برپایی مراسم چهارشنبه سوری می‌تواند زیان‌های جانی و مالی سنگین و غیرقابل جبرانی را در پی داشته باشد. یکی از باورهای نادرست این است که «حادثه برای دیگران اتفاق می‌افتد و برای من اتفاق نمی‌افتد چون من همیشه مراقب هستم». باید بدانیم که وقوع حادثه برای هر کسی ممکن است ولی می‌توان با رعایت نکات ایمنی از بروز اغلب حوادث از جمله حوادث چهارشنبه سوری جلوگیری کرد.

■ بیشترین آسیب ناشی از حوادث چهارشنبه پایان سال (حدود نیمی از آنها) سوختگی است. گرچه اکثر حادثه‌دیدگان بهبود می‌یابند ولی دست، چشم و پا بیشترین نقاط آسیب‌پذیر در حوادث مورد نظر گزارش شده است و متأسفانه آسیب‌های چشم حتی ممکن است منجر به نابینایی شود. با توجه به اینکه بیشترین آسیب‌دیدگان حوادث چهارشنبه سوری گروه سنی ۱۵تا۱۹ سال بوده‌اند لذا موارد زیر را به نوجوانان و جوانان عزیز توصیه می‌کنیم:

■ از نگهداری مواد محترقه، تهیه و ساخت وسایل آتش بازی به‌خصوص در منزل، زیر زمین و... جداً خودداری کنید.

■ از حمل مواد آتش گیر و انفجاری حتی به مقادیر بسیار کم، در جیب لباس و کیف جداً پرهیز کنید.

■ هر گز مواد منفجره و محترقه را به طرف افراد دیگر پرتاب نکنید و به هیچ عنوان، این مواد را در ظروف شیشه‌ای یا فلزی قرار ندهید چون درصورت انفجار، ذرات شیشه یا فلز به اطراف پرتاب شده و باعث آسیب‌های شدید خواهند شد. ضمناً هرگز از ماده محترقه و منفجره‌ای که یک‌بار استفاده شده، دوباره استفاده نکنید.

■ از آتش زدن لاستیک، هیزم و کارتن خالی در واحدهای مسکونی یا در معابر، کوچه و خیابان خودداری کنید؛ چراکه در چنین شرایطی، با تشدید آلودگی هوا، خود و اطرافیانتان را در معرض آسیب‌های تنفسی قرار می‌دهید.

■ هیچ‌گاه از الکل برای آتش گیری مواد استفاده نکنید. از ریختن مواد سریع‌الاشتعالی مانند نفت و بنزین نیز روی آتش بپرهیزید.

■ از پرتاب مواد آتش‌زا مانند فشفشه و موشک روی درخت‌ها، بام و بالکن منازل که از عوامل عمده بروز آتش‌سوزی است جداً خودداری کنید.

■ از انداختن ظروف تحت فشار (کپسول‌ها و اسپری‌های حشره‌کش) به درون آتش اکیداً خودداری کنید؛ چراکه این ظروف به‌علت دارا بودن خاصیت انفجاری، ممکن است ذرات را به سمت خودتان پرتاب کنند و به چشم‌هایتان آسیب برسانند. هرگز اقدام به ساخت مواد منفجره به‌صورت دست‌ساز نکنید.

■ از طبقات بالا یا پشت‌بام اقدام به پرتاب نارنجک، فشفشه یا ترقه به سمت خیابان نکنید. این کار ۳خطر درپی دارد: گیر کردن این مواد به درختان کوچه و آتش گرفتن درختان، برخورد آنها با عابران پیاده یا برخورد آنها با سیم‌های برق و خطرات جانبی آن.

والدین با کودکان همراهی کنند

■ همراهی والدین در این روز پرمخاطره تا حدی احتمال بروز حوادث را کاهش می‌دهد، چراکه وقتی پدر یا مادر کنار فرزندان باشند، اجازه روشن کردن آتش در مقیاس بزرگ و مهارنشدنی را نمی‌دهند و علاوه براین، حواسشان هست که آتش را در محدوده پارکینگ یا کنار وسیله نقلیه یا در مجاورت درخت روشن نکنند.

■ والدین حتماً نظارت کافی بر شادی و آتش‌افروزی کودکان و نوجوانان خود داشته باشند. آتش را به دور از موارد قابل اشتعال روشن کنند و حتماً پس از پایان مراسم، آن را خاموش کنند. در این مسئله به هیچ وجه نباید به‌صورت قهری یا جبری از شرکت فرزندان در مراسم چهارشنبه‌سوری ممانعت کرد؛ چراکه اینطور برخوردها معمولاً پاسخ عکس می‌دهند و بچه‌ها را به‌نحوی تحریک می‌کند. اگر پدر و مادر در کنار فرزند باشند هم شادی می‌کنند و هم مراقب هستند.

پنجره‌ها را ببندید

■ بهتر است این ایام پنجره‌ها را بسته نگه دارید، چراکه احتمال پرتاب مواد محترقه به داخل منزل و یا تماس با پرده و بروز اشتعال وجود دارد. ترجیحاً بالکن خانه یا پشت‌بام خالی از لباس و کارتن و روزنامه باشد که حداقل درصورت آتش‌سوزی، خسارات ناشی از آن کمتر و قابل جبران باشد.

■ انفجار ۲۵۰گرم ماده محترقه دست‌ساز می‌تواند فضایی به مساحت ۱۰الی ۱۵متر را به کل تخریب کند. گزارش‌هایی داشتیم که در یک زیرزمین کوچک، ۱۰کیلوگرم از این مواد تولید می‌شد که درصورت انفجار می‌توانست یک محله را به آتش بکشد. پس اگر مطلع هستید که یکی از همسایه‌ها در انباری خانه مشغول این قبیل فعالیت‌هاست، به مسئولان مربوطه اطلاع دهید تا اتفاق ناگواری نیفتد.

بالن‌ها هم خطرناک هستند

■ بالن آرزوها، موردی است که طی چند سال اخیر باب شده؛ در یک بالن کاغذی آتشی روشن می‌کنند و آن را در آسمان رها می‌کنند بدون اینکه بدانند به کجا خواهد رفت. چند سال قبل همین بالن به ظاهر ساده و بی‌خطر به یک شاخه درخت گیر کرد و علاوه بر اینکه کل درخت را سوزاند، آتش این حادثه به بالکن یکی از ساکنان محله هم رسید و حادثه دیگری را رقم زد. این بالن‌ها ممکن است حتی به سیم‌کشی‌های برق گیر کنند و آتش‌سوزی گسترده‌ای را به بار آورند. روشن کردن بالن آرزوها مربوط به آسیای شرقی است و هیچ ارتباطی به چهارشنبه‌سوری ما ایرانیان ندارد.

با هم از روی آتش نپرید

■ به‌صورت همزمان و چندنفره از روی آتش نپرید. از ایستادن و بودن در کنار آتش، آن هم با لباس‌های بلند و گشاد به‌طور جدی اجتناب کنید و نزدیک آتش‌هایی که خودتان روشن نکرده‌اید، به هیچ وجه قرار نگیرید و از روی آن نپرید. ممکن است در آتش‌های ناامن، کپسول قابل اشتعال یا اسپری خوشبوکننده انداخته باشند که هر لحظه احتمال انفجار آن وجود دارد.

■ پریدن از روی آتش ارتباطی به آیین دیرینه چهارشنبه‌سوری ندارد. چهارشنبه‌سوری بهانه‌ای است برای شادی و دور هم بودن در روزهای آخر سال. حواسمان باشد به قیمت شادی کوتاه‌مدت ما اتفاق ناگواری برای عزیزانمان نیفتد.

کمک‌های اولیه در حوادث چهارشنبه‌سوری

دریچه

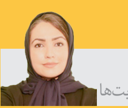

آرزو دهقانی
دکترای سلامت در بلایا و فوریت‌ها

در ۱۰سال اخیر هزاران نفر در حوادث ناشی از چهارشنبه آخر سال مصدوم و حدود ۶۰نفر فوت شده‌اند. تجارب سال‌های اخیر از مراسم چهارشنبه آخر سال نشان می‌دهد که این مراسم قدیمی و باستانی با حوادث مختلفی به‌خصوص سوختگی، تروما و آسیب به چشم همراه است. اما درصورتی که در این ایام دچار حادثه شدیم چه باید بکنیم؟

درصورت بروز حادثه در مراسم چهارشنبه آخر سال، خونسردی خود را حفظ کنید. اول باید وضعیت عمومی مصدوم را بررسی کرد. نخستین اقدام این است که وضعیت تنفس مصدوم را بررسی کنید. اگر مصدوم نفس می‌کشد، شروع کنید به خنک کردن محل سوختگی. در این بین با اورژانس ۱۱۵ تماس بگیرید. درصورت وجود آتش در لباس مصدوم آن را خاموش کنید و بهتر است محل سوختگی با آب سرد حداقل به‌مدت ۱۰ دقیقه شسته شود. نواحی دچار سوختگی را باید خنک نگه داشت. در همین حین با توجه به محل سوختگی، ساعت، گردنبند، دستبند، انگشتر، کمربند و کفش‌های مصدوم را درآورید.

اگر لباس مصدوم به پوست بدن در نواحی دچار سوختگی چسبیده است، نباید لباس را از پوست جدا کرد بلکه باید آن را از دور تا دور محل چسبیده قیچی کرد. به هیچ عنوان از خمیردندان، سیب زمینی رنده شده و روغن جهت تسکین درد و بهبود سوختگی استفاده نکنید. پس از خنک کردن پوست دچار سوختگی، یک پارچه تمیز و بدون کرک روی محل سوختگی گذاشته و او را به بیمارستان برسانید. به این مورد هم باید توجه کرد که نباید تاول‌های ناشی از سوختگی را ترکاند.

آسیب‌های چشمی

آسیب به چشم یکی دیگر از حوادث شایع در مراسم چهارشنبه آخر سال است. درصورت مشاهده چنین آسیبی از مالیدن چشم‌ها و پلک‌ها جلوگیری کنید. به هیچ عنوان دست آلوده به چشم‌ها نباید زد. درصورتی که جسم خارجی وارد چشم نشده است، چشم را با آب معمولی و سرم از داخل به خارج به‌مدت حداقل ۱۰دقیقه باید شست و باید مصدوم را به مراکز درمانی رساند. درصورتی که جسم خارجی همچون ترکش در چشم وجود دارد یک لیوان یک‌بار مصرف روی چشم بیمار قرار دهید. نیازی به شست‌وشوی چشم نیست و باید سریعا مصدوم را به بیمارستان برسانید. از مصرف آسپیرین، ایبوبروفن و مواد مشابه تا رسیدن به اورژانس چشم پزشکی خودداری کنید.

درمان آسیب‌های پوستی

نیترات پتاسیم، کلرات باریم، آرسنیک، نیترات سالیسیوم و پرکلرات پتاسیم به کار رفته در مواد محترقه و منفجره به‌علت ترکیب با اکسیژن و کربن همگی به نوعی خطرناک هستند و ممکن است حتی هنگام کار و تهیه، عوارضی را برای کارگران به همراه داشته باشد؛ به‌عنوان مثال مواد شیمیایی با پایه کلر و کلرات به لحاظ درجه آتش گیری بسیار پایین ناراحتی‌های پوستی -ریوی ایجاد می‌کنند، حتی در مقیاس بالاتر آثار خونی به جا می‌گذارند.

اما این صدمات چه علائمی دارند؟ دردهای شکمی، سرگیجه، حالت استفراغ و اسهال، ناراحتی‌های تنفسی پیشرفته و تماس با ترکیبات نیترات سبب خوردگی پوست می‌شود. حساسیت‌های پیشرفته روی غشای پوستی و حتی در صورت جذب از راه پوست، سوختگی‌های پیشرفته پوست از عوارض ترکیبات نیترات است. تنفس پودرهای گوگردی هم آثار تنفسی، سرفه‌های شدید و تنگی نفس را در پی دارد. درصورتی که مواد شیمیایی با پوست شما برخورد کرد، بلافاصله آن را با آب فراوان شست‌وشو دهید و به یک مرکز درمانی مراجعه کنید.

نجات مصدوم از فضای پردود

برای نجات جان مصدوم از اتاق آتش گرفته‌ای که در آن بسته است باید قبل از ورود، با لمس در اتاق، حرارت را بسنجید، اگر داغ باشد وارد اتاق نشوید و اگر داغ نباشد، قبل از ورود به اتاق چند نفس عمیق بکشید تا خون شما پر اکسیژن شود؛ سپس با شانه خود از پهلو به در ضربه بزنید تا در باز شود و در همین حال صورت خود را برگردانید. اتاق ممکن است پر از هوای سوخته فشرده باشد و احتمال دارد هر لحظه انفجاری رخ دهد. اگر دود کاملاً متراکم باشد روی زمین سینه‌خیز بروید زیرا با توجه به اینکه هوای داغ بالا می‌رود، ممکن است لایه‌ای از هوای تمیز در کف اتاق وجود داشته باشد.

مصدوم را بگیرید و با توجه به رعایت تمام جنبه‌های ایمنی به سرعت به سمت در خروجی بکشید. لباس آتش گرفته مصدوم را با با استفاده از پتو، گلیم و یا کت خاموش کنید.

اگر لباس سوخته به پوست مصدوم چسبیده سعی نکنید آن را جدا کنید. اگر مصدوم هوشیار است کاملاً از او مراقبت کنید زیرا ممکن است براثر نیم‌سوز شدن اشیای داخل اتاق، گاز منواکسیدکربن در هوای اتاق پراکنده شده باشد و این امر بر هوشیاری مصدوم به‌تدریج تأثیر می‌گذارد. اگر تنفس مصدوم قطع شده بلافاصله تنفس مصنوعی را شروع کنید و سپس مصدوم را به بیمارستان برسانید.

آگهی مزایده فروش املاک

شرکت تدبیرگران فردای امید در نظر دارد ۳ واحد اداری جمعا به مساحت ۴۱۳ متر مربع همگی در یک طبقه (طبقه پنجم) واقع در تهران، خیابان آفریقا، بالاتر از اسفندیار، خیابان رحیمی، پلاک ۴، طبقه پنجم، جمعا به قیمت پایه ۶۰۰ میلیارد ریال، از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.
۱- متراژ ۱۰۶/۹ متر مربع فرعی ۲۹۸۲۳ اصلی ۳۴۶۷ موضوع پلاک ثبتی شماره ۱۱ قطعه ۱۵ تفکیکی
۲- متراژ ۱۵۳/۱۴ متر مربع فرعی ۲۹۸۲۲ اصلی ۳۴۶۷ موضوع پلاک ثبتی شماره ۱۱ قطعه ۱۴ تفکیکی
۳- متراژ ۱۵۲/۳۳ متر مربع فرعی ۲۹۸۲۱ اصلی ۳۴۶۷ موضوع پلاک ثبتی شماره ۱۱ قطعه ۱۳ تفکیکی
متقاضیان محترم می‌توانند جهت بازدید با هماهنگی قبلی به محل ملک مراجعه و پیشنهادات خود را در پاکت در بسته به آدرس خیابان آفریقا بالاتر از اسفندیار خیابان رحیمی پلاک ۴ طبقه ۵ و جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۲۶۲۰۶۶۲۹ - ۰۲۱ یا ۰۹۱۲۵۱۰۹۲۲۱ تماس حاصل نمایند.
لازم به ذکر است روز بازگشایی پاکات پنجشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۵ ساعت ۱۰ صبح در محل شرکت می‌باشد.

همشهری در شبکه‌های اجتماعی همراه شماست
telegram @hamshahrinews
instagram hamshahrinewspaper